



امام مجتبی (ع) در هر فرصتی تبلیغات مسموم معاویه را خنثی می‌کرد

یکی از راهکارهای امام حسن (ع) در دوران امامت بعد از صلح، تحقق مرجعیت اجتماعی برای اهل بیت (ع) بود و امام با احسان و مهربانی به مردم و کمک به ایتمام و فقرا و مستمندان این مرجعیت را ایجاد کرد.

یکی از راهکارهای امام حسن (ع) در دوران امامت بعد از صلح، تحقق مرجعیت اجتماعی برای اهل بیت (ع) بود و امام با احسان و مهربانی به مردم و کمک به ایتمام و فقرا و مستمندان این مرجعیت را ایجاد کرد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: امروز هفتم صفر به روایتی سالروز شهادت جانسوز حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است. امام مجتبی (علیه السلام) پس از آنکه به صلح با معاویه مجبور شدند چند روزی در کوفه اقامت داشته و سپس تصمیم گرفت عراق را به قصد شهر مدینه ترک گوید. امام در مدینه مستقر شدند و تا زمان شهادت جز برای اعمال حج از این شهر خارج نشدند. امام (ع) بعد از صلح سکوت نکرد، بلکه شیوه مبارزه با معاویه را تغییر داد. تغییر در شیوه مبارزه بهترین راهکاری بود که امام می توانست انجام دهد. یکی از شیوه های موفق امامان علیهم السلام تربیت شاگردان مؤثر و انتشار آنان در میان شهرها بوده است. هر امامی توسط شاگردان تراز اول خود توانسته اند معارف بلند اهل بیت را به میان مردم منتقل سازد. از این رو هر کدام دارای شاگردانی ممتازی بودند. امام حسن علیه السلام نیز از این شیوه استفاده کردند و به تربیت و آموزش نیروهای کارآمد دست زدند. برخی از نیروهای امام از اصحاب جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله یا پدرشان امام علی علیه السلام بودند و برخی نیز حضرت آنان را به سوی حق و حقیقت کشانیده بودند.

نمونه هایی از اصحاب امام علیه السلام عبارتند از: رُشید هجری از اصحاب ویژه امیرمومنان علیه السلام و از شاگردان امام حسن علیه السلام بود که در مسیر امامت و ولایت به شهادت رسید. یا حبیب بن مظاهر نیز از یاران امیرمومنان علیه السلام و از شاگردان امام حسن علیه السلام بود که در کربلا به شهادت رسید. و دیگر حجر بن عدی نیز از یاران امیرمومنان علیه السلام و دست پرورده امام حسن علیه السلام بود که بعد از شهادت امام مجتبی به دفاع از امام علیه السلام پرداخت و مبارزات گسترده ای علیه معاویه انجام داد و سرانجام توسط وی به شهادت رسید. همچنین کمیل بن زیاد نخعی نیز از افراد مورد اطمینان امیر مؤمنان و امام حسن علیهما السلام به شمار می رفت. البته نام افراد دیگری نیز به عنوان اصحاب و شاگردان حضرت آورده شده که عبارت است از احنف بن قیس؛ اصیغ بن نباته؛ جابر بن عبدالله انصاری؛ حبه بن جوین عرفی؛ ابوالاسود دؤلی؛ ابو اسحاق بن کلب سیبسی؛ ابو مخنف لوط بن یحیی ازدی؛ جارود بن منذر؛ حذیفه بن اسید غفاری؛ عبدالله بن جعفر طیار؛ عبدالله بن عباس؛ عمر بن قیس مشرفی؛ مسلم بن عقیل و.... این افراد که اندکی از اصحاب امام نامبرده شده همگی در محضر امام کسب فیض نمودند و تربیت یافتند و در برابر هجوم فرهنگی معاویه و بدعت های گوناگون او ایستادند، برخی از آنان بعد از شهادت امام مجتبی به دست معاویه به شهادت رسیدند و برخی دیگر در رکاب برادرش امام حسین در برابر یزید به شهادت رسیدند.

امام مجتبی علیه السلام همراه با تربیت نیروهای متخصص انزجار و تنفر از معاویه را آشکار و بی پرده منتشر می کردند. ایشان در هر زمان و مکان مناسبی که فرصت می یافت، مشروعیت حکومت معاویه را زیر سوال می برد و تبلیغات مسموم معاویه را خنثی می کرد. همچنین مردم را نسبت به زیرپا گذاشتن و عمل نکردن به مواد صلح نامه توسط معاویه آگاه می کرد.

امام حسن مجتبی علیه السلام روشنگری خود را با راه هایی همچون نامه نگاری و خطبه خواندن به دیگران منتقل می کرد. استراتژی امام در معرفی ماهیت حکومت معاویه و اهداف شوم او بسیار مؤثر بود؛ زیرا مردم ماهیت حکومت معاویه را از زبان پسر رسول خدا می شنیدند. یک نمونه از روشنگری امام اینکه وقتی کاروان امام از کوفه سوی مدینه به حرکت درآمد هنوز از کوفه فاصله نگرفته بود که فرستاده معاویه به آن حضرت رسید تا او را به کوفه بازگرداند و با گروهی از خوارج که بر او شوریده بودند بجنگد، امام از بازگشت امتناع ورزید و به معاویه نوشت: اگر ترجیح می دادم با مسلمانان بجنگم، از تو شروع می کردم اینکه می بینی دست از تو برداشته ام به جهت مصلحت مسلمانان و جلوگیری از ریختن خون آنان است.

کریم اهل بیت (ع) با راه اندازی حلقه های علمی و تبیینی و رفع ابهام و اجمال از دین و نشر علوم مختلف، برای اهل بیت علیهم السلام مرجعیتی دینی و علمی ایجاد کردند. مرجعیت علمی و دینی امام علیه السلام به گونه ای پیش رفت که هرکسی موضوعی از علوم را نمی دانست آگاه بود که تنها راه دریافت آن مدینه و خانه امام حسن (ع) است. این ویژگی باعث شده بود که حتی معاویه بن ابوسفیان و پیروان او، منشأ علم، شرافت و دیانت را امام مجتبی معرفی می کردند.

یکی از راهکارهای امام در دوران امامت بعد از صلح، تحقق مرجعیت اجتماعی برای اهل بیت علیهم السلام بود. امام با احسان و مهربانی به مردم و کمک به ایتمام و فقرا و مستمندان این مرجعیت را ایجاد کرده بود. امام به گونه ای رفتار کرده بود که هر فرد

فقیری به مدینه می آمد خانه حضرت را نشان او می دادند. امام با این شیوه افراد بسیاری را به آموزه های دینی آشنا می کردند و حقیقت و واقعیت حکومت ظلم و جور بنی امیه و معاویه را نشان می دادند. شیوه دیگر امام در این مورد رسیدگی به امور شیعیان محروم و مستمند بود. با تسلط یافتن معاویه بر عراق، آمار جنایت وی بر شیعیان و محبان اهل بیت بیشتر شده بود. امام حسن علیه السلام پشتوانه ای محکم و استوار برای فقرا و مستمندان و بی پناهان بود که در دوران اقامت در مدینه از هیچ گونه کوشش و حمایتی از آنان دریغ نکرد، حمایت سیاسی و مالی امام از فقرا، مستمندان، یتام و درماندگان یکی از شیوه های مبارزه علیه معاویه به حساب می آمد، زیرا این رویکرد موجب محبوبیت امام و روشننگری آنان نسبت به ظلم و ستم معاویه می شد. از جمله حمایت های امام، حمایت از سعید بن ابی سرح کوفی است که از دوستان اهل بیت علیهم السلام بود. داستان حمایت امام از وی خواندنی است.

سعید بن ابی سرح کوفی که از دوستان خاندان اهل بیت مورد غضب زیاد بن ابیه، حاکم کوفه گردید. او از ترس زیاد بن ابیه و احضار او راهی مدینه شد و به امام مجتبی پناه برد. حاکم کوفه خانواده سعید را زندانی و اموالش را مصادره کرد و خانه اش را با خاک یکسان ساخت تا وحشتی در دل دوستداران اهل بیت به خصوص شیعیان به وجود آید. سعید در محضر حضرت بود که خبر اسارت خانواده و مصادره اموالش را شنید که این خبر موجب ناراحتی امام حسن گردید. امام بعد از این اتفاق برای گرفتن امان برای سعید نامه ای خطاب به زیاد بن ابیه نگاشت.

این نامه نگاری ها نشان می دهد که امام حسن مجتبی (ع) در تمام شرایط و سختی در کنار مردم مظلوم و ستمدیده بود و برای احقاق حق مظلومان از هیچ کوششی فروگذاری نمی کرد حتی اگر در این راه به ساحت مقدس و مبارک ایشان بی حرمتی شود. از سوی دیگر نشان می دهد که دشمن دین و خاندان اهل بیت به شأن و مقام امام حسن و اجداد پاک و مطهرش اعتراف می کند که این خود سندی بر حقانیت مسیر خاندان اهل بیت و امیرالمؤمنین علیه السلام است. بنابراین می توان دریافت که امام در دوران صلح و صبر نه تنها با معاویه همکاری نداشتند بلکه شیوه مبارزه خود با معاویه را از شیوه نظامی به شیوه فرهنگی تبدیل کردند و نگذاشتند فعالیت ضد دینی معاویه مایه از بین رفتن دین جدش رسول خدا (ص) شود.